



اجتماع عظیم بیش از ۲۰ میلیون زائر عاشق در اربعین حسینی
برای چهارمین سال متوالی

کربلا میعاد گاه جهانی حق جو بان و عدالت خواهان

منتظرند

با ج‌دهی پسابر جامی ادامه می‌یابد؟

■ زهرا طباطبائی

نگاه امروز بیست‌وپنجمین روز از آبان ماه سال جاری، در پسابر جام توافق با غرب، قطعنامه‌ای با مفاد حقوق بشری ضد ایران در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید که کانادا و عربستان و اتحادیه اروپایی و آمریکا در تصویب آن نقش‌آفرین بودند. البته این روند به واسطه ظهور پیش‌آگهی‌های متنوع قابل پیش‌بینی بود. در طول چند ماه اخیر تحرکات ضدایرانی گسترده‌ای در فضای شبکه‌های اجتماعی با موضوع «سیاه‌نامی حقوق بشری» علیه قوه قضائیه و نظام جمهوری اسلامی ایران اجرایی شد. در این کمپین‌ها چند مجموعه به صورت هماهنگ و با تقسیم وظایف همکاری داشتند که سیاه آن به شرح زیر است.

۱- گروهی از عوامل ایرانی «شبکه تغییر» از جمله روزنامه‌نگاران و منتقدان غربزده که به نام «استقراض دموکراسی» از جوامع مترقی غرب، مطالبه رویه تاریخی جریان‌های روشنفکری وابسته به استقلال و آرمان‌های ملی گرایانه وطن خود خیان می‌کنند.

۲- محکومان پروژه شبکه‌سازی اجتماعی ضدحاکمیت که اتفاقا بعضا با عفو مشروط و رأفت اسلامی دستگاه قضا آزاد هستند.

۳- بهائیان و عناصر لاییک برانداز که در چند مجموعه سازماندهی وابسته به وزارتخانه‌های خارجی از مسیرهای اطلاعاتی، مالی و سیاسی حمایت می‌شوند، همچون «کمپین بین‌المللی حقوق بشر ایران».

۴- ارتش سایبری عربستان سعودی که در مسیر مبارزه با ایران از مشارکت منافقین و گروهی از ایرانی‌تبارهای دارای تابعیت آمریکا، انگلیس و... بهره می‌برد.

■ **ملی یا وابسته به دشمن؟**

تلاش‌های عدالت‌طلبانه و فعالیت برای تغییر برخی قوانین اجتماعی از مسیرهای قانونی، مناظر بر مولفه‌های رسمی «حاکمیت خوب»، در همه کشورها تا حدی معین توسط دولت و بخش‌های مختلف ساختار قدرت تحمل می‌شود اما هیچ دولتی برابر دخالت سایرین در ساختارهای داخلی خود با اجیر کردن عوامل نفوذی، «ترمش» به خرج نمی‌دهد بویژه زمانی که تحرکات «شبکه وابسته» همزمان اعمال فشار خارجی و تهدید منافع ملی باشد که در آن صورت ممانشات به معنای تن دادن به نقض حاکمیت ملی و اشغال کشور است. واضح است که عواقب سهل‌انگاری برابر چنین رویه‌ای به

«انقلابی»، «حقوقدان» یا «سر هنگ»؟!

■ محمدحسین نظری

دیدگاه این روزها حال و هوای دولت «انقلابی» تدبیر و امید هیچ خوب نیست. مردک دیوانه می‌خواهد بر جام را پاره کند که «برجام» و ما ادراک ما البرجام». حالا اگر یک کاغذ پاره‌ای باشد غمش خوردنی است، لکن این تکه کاغذ را «تقدیس» کردند و بستند بیخ ریش خیلی چیزها. برای خاطر این تحفه که می‌گفتند عصای موسی است، نه تنها راکتورها را که دهان منتقدان را هم سیمان کردند. کلی رفتند و آمدند و چه سانتریفیوژی‌هایی که تحویل دادند تا رضایت کدخدا را گرفتند و با دنیا(مثلا) آشتی کردند. اکنون اما این از خدا بی خبر یا ما که هیچ، با رفقایی همپیمان و همکاسگان قدیمی خود هم سر جنگ دارد. خب!ا حق دارند این دولتمردان انقلابی. ابتدای ریاست‌جمهوری او عدل می‌خورد به روزهای آخر دولت یازدهم و چهسا بزند زیر میز برجام که اگر بزند، دولت روحانی در آستانه انتخابات می‌شود «از اینجا مانده و از آنجا رانده» چرا که احتمالا هم بساط رضایت کدخدا جمع می‌شود و هم با تعمیر شدن دیوار تحریم! -که گویا قبلا ترک برداشته بود- دست خالی دولت برای مردم رو می‌شود و آن وقت دولت دیپلماسی می‌ماند و سبدهای خالی رای! برای! در این مقال قصد سخنرانی درباره برجام و پسابر جام را ندارم که هر آنچه سخن باید را هم من رانده‌ام و هم دوستان عاقل‌تر از من. روی سخنم اما با کسانی است که اخیرا خویش را انقلابی می‌خوانند. در این ایام که بر کرسی دستگاه اجرا تکیه زده‌اید، بارها و بارها الفاظ و مفاهیم را به نفع خود مصادره کردید. بارها و بارها با کلمات و عبارات بازی کرده و دست به استحاله بردید. با ادعای پاکدستی حقوق نجومی برداشتید و ۸ هزار میلیارد فساد مالی از خویش بر جا گذاشتید. با دعوی راستگویی ملت را به انبوهی از وعده و وعید حواله کردید. با زستی روشنفکرانه شعار آزادی سر دادید و در مقابل دهان‌ها را مهر کرده و هر صدای مخالفی را در نطفه خفه کردید. همه اینها ناز شست‌تان، لکن لطف فرموده این یک کلمه «انقلابی» را مورد عنایت خویش قرار ندهید که مع‌الاسف باید به عرض‌تان برسانم دولت یازدهم واجد هیچ‌یک از شاخصه‌های «انقلابی» گری نیست. انقلابی نه آن است که آنچنان سرنوشتش را با غیر گره زده است که انتخابات یک کشور تنش را می‌لرزاند. انقلابی نه آن است که دم و دستگاهش را مدیرانی

دولت اصلاً کجا هست؟!

■ حسین قدیانی

یادداشت امروز متن اربعین امسال هم، حقا که بر دیوار روزگار، بدل به تمثالی باشکوه شد لیکن از یاد نبریم این حماسه عظیم‌القدر، پاسداشت همان سیدالشهدایی است که از اساس، سر سازش با هیچ ظلم و ستمی نداشت، لذا در حاشیه مراسم امسال، من نوعی به عنوان نویسنده توده‌های مردم، چگونه چشم بیندم بر آن همه اتفاق تلخ و نامیوم که در مرز مهران و در عرض چند شبانه‌روز، بر جماعت انبوهی از هموطنانم اعم از زن و مرد و بچه و پیرمرد و پیرزن رفت؟! صدا البته آستان قدس رضوی و شهرداری تهران و سپاه و بسیج و حتی شمار قابل توجهی از موسسات مردم‌نهاد، به قدر وسع خود، به میدان آمده بودند اما آن حجم قابل پیش‌بینی از حضور مردم، آنقدر زیاد بود که مساله، جز با حضور «دولت» به عنوان «قوه مجریه» و هزار و یک امکان و ابزار و اختیار که در دست دارد، هرگز قابل حل نباشد! اینک یک سوال! اگر قرار است در سال اول دولت اعتدال، در شمال کشور، برف ببارد و دولتمرد موظف، حکایت «توشنداری بعد از مرگ سهراب» دیرتر از همه به ماجرا ورود کند و اگر قرار است در سال چهارم همین دولت، اینای ملت برای چند روز، آواره دشت و بیابان‌های اطراف مرز مهران باشند و اگر قرار است همه بارها روی دوش آستان قدس از مشهد باشند و شهرداری از تهران و بسیج از فلان پایگاه شهر مهران، واقعا ما چرا «دولت» انتخاب می‌کنیم؟! که وقت لزوم، روی مبارک را بکنند آن‌طرف؟! در شمال برف آمده؛ از همه دیرتر «وزیر راه» می‌رسد! در کلاتشهرها، هوای الوده آمده؛ مسؤول مربوطه در مراکش به هواخوری مشغولند! در مرز مهران هم که لابد توی خواننده، وضعیت را با همین گوش‌های خودت، از اقوام و آشنایان به اندازه کافی شنیده‌ای! و شاید هم اصلا بوده‌ای و دیده‌ای! اولاً دولت هیچ معلوم نبود کجا بود؟! ثانیاً دولتمرد یا دول‌تنز، وقتی آنجا که باید باشد نباشد، اساسا نباشد، سنگین‌تر نیست؟! از آواره شدن ملت در مرز مهران، چند روز باید بگذرد، تازه روی ماه وزیر مملکت، از پس ایرها بزند بیرون! مجددا سوال می‌پرسم؛ اگر قرار باشد دولت، بدییی‌ترین پیش‌بینی ممکن را نکند و اگر قرار باشد امکانات